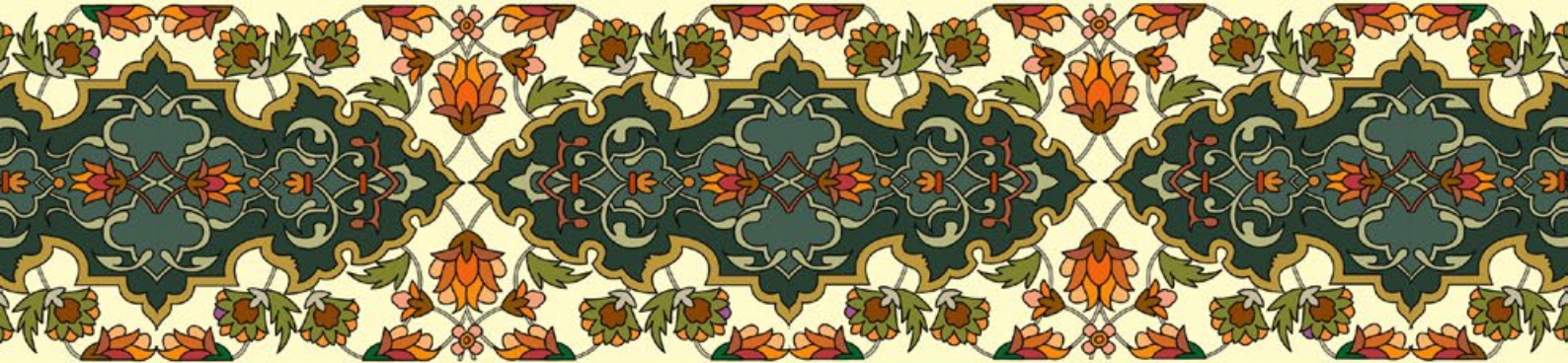




پایگاه اطلاع رسانی دفتر منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالى



شماره: ۱۱۹

عنوان: نگاهی به وضعیت ایران و عربستان پیش
از ظهور امام مهدی علیه السلام

نویسنده: فرهاد گلستان

تاریخ: ۱۴۰۱/۹/۱۰

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ بِإِذْنِ اللَّهِ تَعَالَى

توجه: دیدگاه درج شده دیدگاه ارسالی توسط یکی از کاربران است و لزوماً دیدگاه این دفتر محسوب نمی شود.

بسم الله الرحمن الرحيم



تخمِ حقیقت در «شوره زار ایران» به سختی جوانه می زند و به ندرت محصول می دهد و این نیست جز ثمره ی تلاش چهل و چندساله ی حاکمان ایران در تبلیغ قرائتی از اسلام که بر بنیادی از بدعت بنا شده است تا حافظ منافعشان باشد و از این رو، برای تداوم حکومت و حفظ منافع خود چاره ای جز اصرار بر آن بدعت ندارند. حاکمان و عالمان ایران با سوء استفاده از جهل مردم، دینی جدید بر ساخته اند و با استفاده ی ابزاری از این دین ساختگی، مقلدان و متعصبانی پرورش داده اند تا پشتوانه ای برای تحکیم قدرت و ابزاری برای سرکوب و خفقان باشند. نتیجه ی این تلاش ها، نهادهای خرافی و باطل در نهاد مردم است، تا حدی که بعد از گذشت چهل و چند سال، آنان را تماماً با حق بیگانه ساخته است. به عبارت دیگر، عالمان ایران برای بقای حکومت خود، دست به سرقت ایمان مردم زده اند؛ ایمان مردم را مصادره و به جای آن، مطلوب خود را به نام ایمان به آن ها باورانده اند تا از این مسیر، بتوانند برتری خود و نظام خود را حفظ کنند. شاهد سخن آنکه بیشترین مقاومت در برابر حق و بیشترین سنگ اندازی در راه تبلیغ اسلام خالص و کامل، متعلق به کسانی است که بیشترین طرفداری را از نظام آنان می کنند! به نظر می رسد که تا این حکومت بر سر کار است، امکان هدایت مردم ایران منتفی است و با سقوط این نظام، بزرگترین مانع از سر راه هدایت آنان برداشته می شود.

اجمالاً می‌توان گفت که مردم ایران به دو دسته تقسیم می‌شوند: دسته‌ای طرفداران حکومتند که خود را پرچمدار دین و قیّم مذهب می‌شمارند، در حالی که جهل را علم، تقلید را روش دین‌داری، اهواء نفسانی را اجتهاد، تعصّب را غیرت و خرافه را باور دینی تلقّی نموده‌اند و تا جایی در مزخرفات خود فرو رفته‌اند که هر منگری از ناحیه‌ی نظام را معروف و هر خطایی از جانب آن را صواب می‌شمارند! هم‌چنان که در این دسته کم نیستند ابن الوقت‌های مزوّر که حقیقتاً درد دین ندارند و صرفاً منافعشان را در استقرار نظام می‌یابند و گاهی به نعل و گاهی به میخ می‌زنند تا همه را از خود راضی نگاه دارند. اینان به راستی که سفیهند. اما دسته‌ی دیگر، کسانی هستند که با حکومت سر و سر یا بده‌بستانی ندارند و چه بسا برای سرنگونی آن اقداماتی نیز انجام می‌دهند. اینان که عموماً تنها از زاویه‌ی حکومت ایران به حکومت دینی نگریسته‌اند، در شناخت خود نسبت به دین دچار انحراف شده‌اند و از این رو، یا در کارکرد حکومت دینی به تردید افتاده‌اند یا به مخالفان هر نوع حکومت دینی تبدیل گشته‌اند. متأسفانه این دسته از مردم اگر بخواهند شناخت صحیحی نسبت به دین پیدا کنند نیز به دلیل اختناق شدید حاکم و تبلیغات سوء فراگیر علیه نهضت مقدّس «بازگشت به اسلام» در ایران که مبلّغ اسلام حقیقی در کشورهای اسلامی است، امکان شنیدن قرائت صحیح و بدون نقص از اسلام را پیدا نمی‌کنند و از آنجا که از قرائت فعلی نیز خیری ندیده‌اند، راهی جز تردید در کارکرد حکومت دینی یا انکار آن نمی‌یابند. حاصل آنکه چیزی جز اسقاط این نظام شرور نمی‌تواند زمینه را برای آشنایی مردم ایران با قرائت خالص و کامل از اسلام فراهم سازد. این کاری بسیار دشوار است؛ چراکه مسأله‌ی تغییر حکومت اگر چه برای مردم، مسأله‌ی تغییر یا بهبود شرایط زندگی است، ولی برای حاکمان، مسأله‌ی مرگ و زندگی است و روشن است که آنان تحت هیچ شرایطی حاضر به قبول مرگ نخواهند شد و از این رو، تمام سعی خود را برای زنده ماندن -ولو با مرگ دیگران- خواهند نمود.

اما به نظر می‌رسد که یکی از عوامل کلیدی قوام حکومت ایران، رهبر آن است که در طول سی سال گذشته، بلامنازع بر همه‌ی وجوه آن حکومت کرده و به رغم اعتراضات سه دهه‌ی اخیر و ضعف گسترده و روزافزونی که در پایه‌های نظام او به وضوح مشهود است، توانسته است ارکان حکومتش را به هر شکل ممکن حفظ کند؛ همان طور که توانسته به هر شکل ممکن -ولو با کشته شدن صدها هزار انسان- حکومت متحدش را در سوریه بیش از ده سال حفظ کند، اما روشن است که او قادر نیست حکومتش را بعد از مرگش حفظ کند و کس دیگری نیز تجربه‌ی زمام‌داری او را ندارد.

تا بتواند حکومتی تا این اندازه ویران را حفظ نماید و با این وصف، در صورتی که حکومت ایران قبل از مرگ رهبرش سرنگون نشود، انتظار می‌رود که بعد از مرگ رهبرش دوام چندانی نداشته باشد و ساقط گردد؛ هم‌چنان که در پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حضرت علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی اشارتی رفته و آمده است: «مرگ این بت خواهد توانست که این نظام مستبد و منحرف را به زوال بکشاند و سبب تعجیل در ظهور امام مهدی علیه السلام شود»^۱. او در حفظ و اداره‌ی حکومتش نصرتی از جانب خدا دریافت نکرده و نخواهد کرد؛ چرا که نصرت خدا شامل افرادی می‌شود که او از آن افراد به شمار نمی‌رود^۲. بنابراین، می‌توان امید داشت که با مرگ او تغییراتی رقم بخورد

۱. پرسش و پاسخ ۳۱۳

۲. مطابق با قاعده، یاری خداوند شامل حال کسانی می‌شود که او را یاری کنند؛ چنانکه فرموده است: «إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ» (محمّد / ۷)؛ «اگر شما خداوند را یاری کنید، او هم شما را یاری می‌کند» و یاری کردن خداوند در یاری کردن خلیفه‌ی او معنا می‌دهد؛ چنانکه فرموده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا أَنْصَارَ اللَّهِ كَمَا قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ لِلْحَوَارِيِّينَ مَنْ أَنْصَارِي إِلَى اللَّهِ قَالَ الْحَوَارِيُّونَ نَحْنُ أَنْصَارُ اللَّهِ» (الصفّ / ۱۴)؛ «ای کسانی که ایمان آوردید! یاران خداوند باشید، همان طور که عیسی بن مریم به حواری‌ها گفت: چه کسی یاران من به سوی خداوند است؟ حواری‌ها گفتند که ما یاران خداوند هستیم» و از پیامبر روایت شده است که درباره‌ی خلیفه‌اش فرمود: «اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ، وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ، وَائْصُرْ مَنْ نَصَرَهُ، وَاخْذُلْ مَنْ خَذَلَهُ» (مسند أحمد، ج ۲، ص ۲۷۱)؛ «خداوند! دوست کسی باش که او را دوست بدارد و دشمن کسی باش که او را دشمن بدارد و یاری کن کسی که او را یاری کند و واگذار کسی که او را وامی‌گذارد» و روایت شده است که درباره‌ی پرچم‌های سیاه مشرق که برای ظهور مهدی زمینه‌سازی می‌کنند، فرمود: «مَنْ نَصَرَهَا نَصَرَهُ اللَّهُ» (الفتن لابن حماد، ص ۱۸۹)؛ «کسی که آنان را یاری کند، خدا او را یاری می‌کند». بنابراین، کسی که حاکمیت خلیفه‌ی مهدی خدا را غصب کرده، بلکه در صورت تهدید نظامش، او را به قتل تهدید کرده است، سپس با مشرکان و کافران دوستی و با اعلی‌المراتب مسلمان و رهبر زمینه‌سازان ظهور مهدی دشمنی می‌کند، نمی‌تواند مصداق این آیه باشد؛ همان طور که در طول این چهل و چند سال مصداق این آیه نگردیده و علی‌رغم انتظاری که به دریافت نصرت الهی داشته و آن را بارها و بارها بیان کرده، برایش محقق نشده است. وی در سخنانی در سال‌های اخیر گفته است: «فرض کنید انسان در یک تونلی گیر افتاده که مدخل تونل را مثلاً یک سنگی بسته، انتهای تونل هم بسته‌ست، در یک چنین وضعی هم انتظار فرج داشته باشید؛ یعنی خدای متعال ممکن است یک تفضلی بکند، فرض کنید گوشه‌ای از سقف بریزد راهی باز بشود انسان بیرون برود». این جمله، گویای شدت انتظار او به دریافت نصرت الهی در طول این سال‌هاست، هم‌چنان که اداره‌ی کشور را بر مبنای چنین انتظاری، منتظر و معطل نگه داشته است، ولی واقعیت آن است که نخوت او در عدم پذیرش حق و همراهی با اهل حق، مانع از تحقق چنین انتظاری شده است؛ هم‌چنان که جناب علامه منصور هاشمی خراسانی در گفتاری راجع به او فرمودند: «لا جرم نخوت او، آتشی خواهد شد و او و کسانی که از او پیروی کنند را خواهد سوخت» (گفتار ۱۷۴). او خواهد مُرد، بی‌آنکه نصرتی که انتظارش را می‌کشید، دریافت کند یا پیروانش منصور بودن او را ببینند.

و نتیجتاً ایمان به سرقت‌رفته‌ی مردم آزاد شود؛ چیزی که می‌تواند سبب تعجیل در ظهور امام مهدی علیه السلام شود.

اما به جز حکومت ایران که مشغول نابود کردن تشیع در جهان است، حکومت دیگری نیز هست که مشغول نابود کردن تسنن در جهان است، در حالی که خود را امّ القرای جهان اسلام می‌داند و بنا به روایات متواتر، پناهگاه امام مهدی علیه السلام پیش از ظهور خواهد بود و وضعیت قدرت در آن بر روی ظهور آن حضرت تأثیر خواهد داشت: عربستان. ظهور امام مهدی علیه السلام در این منطقه تا هنگامی که تحت حاکمیت آل سعود قرار دارد، امری ناممکن یا به غایت دشوار به نظر می‌رسد. شرایط فعلی حاکم بر عربستان لاجرم باید تغییر کند تا زمینه‌ی خروج فراهم گردد. شواهدی روایی وجود دارد مبنی بر اینکه بعد از مرگ یکی از حاکمان این منطقه، جنگ داخلی شکل می‌گیرد و تغییراتی در ساختار قدرت رخ می‌دهد، سپس پرچم‌های سیاه از خراسان بزرگ خارج می‌شوند و با دعوت به سوی مهدی، برای حکومت او زمینه‌سازی می‌کنند.^۱

رهبر ۸۳ ساله‌ی ایران و پادشاه ۸۷ ساله‌ی عربستان، آفتاب عمرشان لب بام است. کهولت سن این دو حاکم می‌تواند نشانه‌ای امیدوارکننده برای زمینه‌سازان ظهور امام مهدی علیه السلام باشد تا با پیروی از رهنمودهای رهبر مصلح و فرزانه‌ی خود، جناب منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی، آمادگی خود را با فعالیت مفید حداکثری به سطح امیدوارسازی امام مهدی علیه السلام و پذیرایی از او برای ظهور و تشکیل حاکمیتش برسانند ان شاء الله.

جناب دکتر ذاکر معروف (مسئول محترم دفتر جناب علامه) نیز بر سقوط قطعی حکومت ایران در صورت عدم همکاری با اهل حق تصریح کرده و فرموده است: «من از روی اطلاع به شما می‌گویم که اگر این نظام شرور هر چه زودتر دست از شرارت بردارد و دست ارادت به سوی این زمینه‌ساز ظهور مهدی دراز نکند، به زودی از جایی که هیچ تصوّرش را نمی‌کند سرنگون خواهد شد و سرنگون شدن آن به تعبیر این بزرگوار، مانند سرنگون شدن کاسه‌ی سفالینی خواهد بود که ناگهان از دست صاحبش سُرمی خورد و بر زمین می‌افتد و می‌شکند و او تنها با حسرت به آن می‌نگرد و می‌گوید: هاه» (مقاله‌ی ۳۵) و در بخش دیگری از پایگاه آمده است: «دعوت مردم توسط منصور هاشمی خراسانی به سوی زمینه‌سازی برای ظهور مهدی، یکی از دو نتیجه را خواهد داشت: یا با اجابت شماری کافی از آنان، به ظهور و حکومت مهدی خواهد انجامید و یا با عدم اجابت شماری کافی از آنان، به نزول عذاب بر آنان منجر خواهد شد» (نقد و بررسی ۸۹).

۱. در این باره، به مقاله‌ی ۱۱۰ مراجعه کنید.

مقاله‌ها و نکته‌های دیگر از این نویسنده:

۷. مقاله‌ی «به بهانه‌ی برگزاری اجلاس تغییرات اقلیمی (COP۲۶)»
۶. مقاله‌ی «مؤمنان مشرک»
۵. مقاله‌ی «بررسی روایت رسیده درباره‌ی اختلاف شاهزادگان عربستان پیش از ظهور مهدی»
۴. مقاله‌ی «خَسِرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ»
۳. مقاله‌ی «ساختار و شیوه‌ی حکومت خلیفه‌ی خدا در زمین»
۲. مقاله‌ی «حکومت دینی یا سکولار؟»
۱. مقاله‌ی «آموزش دعوت به زمینه‌سازی برای ظهور امام مهدی علیه السلام به صورت گام به گام»



بَیِّنَاتُ الْإِسْلَامِ مِنْ قِبَلِ مُنْصَوِّهَا شَيْخِ خُرَاسَانَ حَفْظَ اللَّهِ تَعَالَى



* لطفاً بر روی لینک مورد نظر خود کلیک کنید.